



Respect to the Rain God, Tištrya, Among the Zoroastrians of Sharifābād Ardakan

Mehrdad Ghadrđan¹, Zohreh Zarshenas², Ameneh Zaheri Abdvand³
(63-77)

In the vast but arid and semi-desert land of Iran, rain has always been life-giving and effective for the people. Due to this, the goddess of rain "Tištar Yašt" has been left from the ancient times of Iran, Which is highly respected and praised. And the celebration of Tūrgān, which is held in this period, is a reminder of the importance of the rain god in ancient times. In an ancient village called Sharifābād, which dates back to the eighth century AH. Many Mobeds who lived in this village in the past have played an effective role in guiding the Zoroastrians and Parsees in India. An ancient celebration was held in honor of the Tištrya named Tištarīm with a special ritual. This special ritual of holding Tištarīm has not been reported anywhere else. However, in this village, a festival called Tīr-Māhi is also held, which is similar to the Tūrgān festival in other places. By collecting field documents related to the two celebrations of Tištarīm and Tīr-Māhi in this village, apart from getting acquainted with these and the way they are held, we seek the answer to this question. Did the people of this village differentiate between these two celebrations "Tištarīm and Tīr-Māhi"? And did they recognize both of them? Considering that these people never mention them alone in the mention of the two gods, Tir and Tishtar, and always refer to them together as "Tir and Tishtar", and during one year, at two different times to celebrate the ritual and that according to the available evidence of active priests and awareness lived in this village, it is believed that these people in the distant past, between the gods of Tir and Tishtar. most of this is the goddess of rain, who has etiquette because of the goddess and the dry land of Yazd, but it should be remembered that in The common chronology there is this Tir that between the days of the month and between the months of the year and arises from the equalization and accompaniment of the name of the day and the month is Tirgan.

Keyword: Tištrya, Tištarīm, Tīr-Māhi, Tūrgān, Zoroastrians, Sharifābād.

Received: 8, , June, 2021; Accepted: 21, September, 2021

doi
10.22059/jis.2021.325288.997
Print ISSN: 2252-0643-Online ISSN: 2676-4601
<https://jis.ut.ac.ir>

1. Ph.D. Candidate in Ancient Iranian Culture and Languages, Islamic Azad University, Science and Research Branch.
2. Email of corresponding author: zohreh_zarshenas35@yahoo.com.
Professor of Ancient Iranian Languages and Culture, Institute of Humanities and Cultural Studies.
3. Assistant Professor of Ancient Iranian Culture and Languages, Islamic Azad University, Science and Research Branch.

بزرگداشت ایزد باران، تشر، در میان بهدینان شریف‌آباد اردکان

مهرداد قدردان

دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

زهرة زرشناس^۱

استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

آمنه ظاهری عبدوند

استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

علمی-پژوهشی

چکیده

از دیر باز باران در پهنهٔ عموماً خشک و نیمه‌خشک سرزمین ایران همواره زندگی‌بخش و اثرگذار بوده است. به تبع آن از دوران کهن ایزد باران، یعنی تشر، بسیار مورد احترام و ستایش بوده و جشنی موسوم به تیرگان برای بزرگداشت این ایزد یادگار آن دوران در این روزگار است. در روستایی قدیمی به نام شریف‌آباد، که تاسیس آن به قرن هشتم هجری قمری بر می‌گردد و زمانی به واسطهٔ موبدنشینینی خود در راهبری بهدینان ایران و پارسیان هند نقش داشته، جشنی کهن برای بزرگداشت تشر به نام تشرتیرم برگزار می‌شود که با آدابی خاص همراه است. این شیوهٔ بزرگداشت در جای دیگری گزارش نشده است، هرچند در کنار این جشن، جشنی دیگر به نام تیرماهی وجود دارد که همانند جشن تیرگان دیگر نقاط است. در تحقیق میدانی زیر با بررسی جشنهای تشرتیرم و تیرماهی در این روستا، علاوه بر آشنایی با این دو جشن و مؤلفه‌های برگزاری آن، به دنبال پاسخ این پرسش خواهیم بود که آیا این مردمان با این دو بزرگداشت، تفاوتی میان تیر و تشر قائل بوده‌اند و این دو را از هم بازمی‌شناخته‌اند؟ با توجه به اینکه این مردم هیچ‌گاه در یادکرد دو ایزد تیر و تشر آنها را به تنهایی نام نمی‌برند و آنان را همواره همراه یکدیگر به صورت «تیر و تشر» یاد می‌کنند و در طول یکسال، در دو زمان مختلف، یکی حوالی تیرماه و دیگری در آبان ماه، به آیین بزرگداشت می‌پردازند و اینکه بنا بر مدارک و شواهد موجود موبدان فعال و آگاهی در این روستا می‌زیسته‌اند، گمان می‌رود این مردمان در گذشته‌های دور میان ایزدان تیر و تشر تفاوت قائل بوده و آنان را از یکدیگر باز می‌شناخته‌اند و برای همین در دو نوبت جشن می‌گرفته‌اند. هرچند در این جشن‌ها هر دو یاد می‌شدند، ولی بیشتر این تشر ایزد باران است که به واسطهٔ تشرتیرت و سرزمین خشک یزد آداب یادکرد دارد، ولی باید به یاد داشت که در گاه‌شماری رایج آنجا این تیر است که میان روزهای ماه و در میان ماه‌های سال می‌درخشد و از برابر شدن و همنشینی نام روز و ماه تیرگان پدید می‌آید.

واژه‌های کلیدی: تشر، تشرتیرم، تیرماهی، تیرگان، بهدینان، شریف‌آباد

مقدمه

شریف‌آباد (شرف‌آباد) در جنوب شرقی اردکان یزد قرار دارد. پیش‌تر روستایی جدا از شهر بوده، اما اکنون یکی از محلات شهر اردکان است. بنای آن بر اساس نوشتهٔ

مستوفی بافقی در کتاب جامع مفیدی به شرف‌الدین مظفر پسر امیر مبارزالدین (۷۶۵-۷۰۰ هـ) منسوب است. این کتاب بنای احمدآباد و ترک‌آباد را نیز به این خاندان نسبت می‌دهد (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۱۲۲، ۱۷۹، ۷۲۰)، که با توجه به اصالت میبیدی این خاندان، با اجدادی مهاجر از خواف، منطقی به نظر می‌رسد. شریف‌آباد با دو روستای مجاور خود در قرن هشتم هجری پذیرای موبد موبدان و همراهان از فارس شد. سه روستای ترک‌آباد، شریف‌آباد و احمدآباد، چند قرن مثلث راهبری بهدینان ایران و راهنمایی دینی پارسیان هند را عهده‌دار بود. آنچه مسلم است این است که زرتشتیان از قرن هشتم هجری به بعد در شریف‌آباد سکونت داشته‌اند و حتی دستوران مقیم آن روستا و روستای ترک‌آباد بزرگترین دستوران زرتشتی محسوب می‌شده‌اند. نامه‌هایی که از قرن نهم هجری از طرف دستوران و بزرگان این دو محل به پارسیان هند ارسال شده مؤید این نکته است (سپهری، ۲/۱۳۷۴: ۱۰۶). مری بویس (بویس، ۱۳۸۱: ۱۹۵) بر آن است که از سدهٔ هشتم هجری، با مهاجرت دستور دستوران از فارس و سکونت او در ترک‌آباد، از روستای شریف‌آباد و روستای مجاور آن احمدآباد هم در منابع موجود یاد شده است. این سه مثلثی تاریخی را در حیات پس از اسلام دین زرتشتی تشکیل می‌دهند. با سکونت دستور دستوران، ترک‌آباد در بین زرتشتیان به روستای موبدانشین نامبردار گشت و تا امروز هم در بین زرتشتیان منطقه این وصف شنیده می‌شود. در این استقرار مهم، شریف‌آباد نیز با سکونت خاندان موبدانی تأثیرگذار نقشی مهم را در راستای راهبری جامعهٔ زرتشتیان و راهنمایی پارسیان هند در امور دینی ایفا کرد. مری بویس (بویس، ۱۳۸۱: ۱۹۵) بر این باور است که همراه دستور دستوران دو آتش آورده شد و در شریف‌آباد، در خانه‌های آجری کوچکی شبیه خانه‌های معمولی، نگهداری شد. یکی از این دو آتش را امروزه با نام آذرخروه (صورتی از آذرقرنیغ) می‌شناسیم. این آتش در حقیقت یکی از سه آتش بزرگ ایران باستان است. آتش دیگر، که صرفاً آتش بهرام نامیده می‌شود، از آن یکی هم محبوب‌تر و محترم‌تر بوده، و احتمالاً آتش آذراناھید استخر فارس است. این دو آتش، که اینک توأم‌اند، قدیمی‌ترین آتش‌های مقدس به‌جاماندهٔ زرتشتیان‌اند، و احتمالاً بیش از دوهزار سال پیوسته افروخته بوده‌اند. پس از این استقرار، روستاهای ترک‌آباد و شریف‌آباد با هم مرکزیت سازمان روحانیت زرتشتی ایران را تشکیل دادند. با رفتن دستوران دستور از ترک‌آباد به یزد، در حدود سال ۱۷۸۱

میلادی (بویس، ۱۳۹۷: ۲۶)، و با مهاجرت زرتشتیان احمدآباد به شریف‌آباد، بار کارکرد چهارصدساله این مجموعه سه‌گانه در شریف‌آباد به یادگار ماند.

چنانکه می‌دانیم بزرگداشت ایزد تشر به تشریشت اوستایی برمی‌گردد. اکنون پرسش اینجاست که چگونه مردمان این روستا بزرگداشت ایزد تشر را تا روزگار کنونی حفظ کرده‌اند، به صورتی که حتی علاوه بر برگزاری جشن ویژه این ایزد، نیایشگاهی هم برای تشر — شاید از زمان تأسیس روستا — بر پا کرده‌اند و این ایزد از دیر باز مورد توجه آنان بوده است. نکته جالب توجه‌تر اینکه بهدینان شریف‌آباد دو جشن جداگانه برای بزرگداشت ایزدان تشر و تیر با عنوان تشریم و تیرماهی (تیرگان) دارند، آیا این موضوع خبر از آگاهی این مردمان از تفاوت ستارگان تشر و تیر دارد؟ در این نوشته به این دو موضوع خواهیم پرداخت.

ابراهیم پورداود در جلد اول کتاب *یشتها* مبحثی را به تشر اختصاص داده و یشت ویژه تشر (متن اوستایی و ترجمه) را با عنوان تیریشت آورده است. زهره زرشناس و فرزانه گشتاسب با کار روی متن اوستایی تشریشت، آوانویسی و ترجمه متن اوستایی آن را همراه با شرح واژگان مهم و افعال در کتابی با عنوان *تشریشت منتشر کرده‌اند*. پرویز اذکایی در مقاله‌ای با عنوان «تشریه، شعرای یمانی» پژوهشی دقیق پیرامون تشر و تیر ارائه داده است. چنگیز مولایی در جلد دوم *دانشنامه زبان فارسی*، تیر، تیرگان و تشر را مورد پژوهش قرار داده است. محمود روح‌الامینی در کتاب *آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران/امروز* به جشن تیرگان پرداخته است. پرویز رجبی نیز در کتاب *جشن‌های ایرانی* مبحثی پیرامون جشن تیرگان دارد. مری بویس در اکثر کتاب‌هایش که به آداب و رسوم زرتشتیان پرداخته، اشاراتی به تیر و تشر دارد، اما در جلدهای اول و دوم کتاب *تاریخ کیش زرتشت طی جستارهایی به صورت تخصصی‌تر* به ایزدان تشر و تیر می‌پردازد. او در کتابی که در سال ۱۹۷۷ منتشر کرده، و به فارسی نیز ترجمه شده (بویس، ۱۳۹۷)، به آداب و رسوم زرتشتیان شریف‌آباد پرداخته است. بویس متأسفانه در این کتاب تنها از جشن تیرگان (تیرماهی) این روستا یاد کرده و به جشن و بزرگداشت ایزد تشر، یعنی تشریم، نپرداخته است، ولی از نیایشگاه تشر شریف‌آباد و داستان چگونگی برپایی بنای آن بر اساس شنیده‌ها مفصلاً نوشته است. آنتونیو پاناینو نیز طی تحقیق جامعی به تشر پرداخته است (Panaino, 1990; 1995). در تحقیق پیش رو به هر دو بزرگداشت (ایزدان تیر و تشر) در کنار هم با ذکر جزئیات، از جمله زمان، شیوه و

چگونگی برگزاری، پرداخته می‌شود. در انجام این بررسی و تحقیق، علاوه بر اینکه نگارنده خود شریف‌آبادی است، هشت نفر دیگر از افراد آگاه شریف‌آباد (برابر فهرست اسامی پایان مقاله) طرف مصاحبه و پرسش بوده‌اند.

۱. بزرگداشت ایزد تِشتر

جشن کهنی در شریف‌آباد با نام تِشتریم یا جشن تیر و تِشتر وجود دارد که به بزرگداشت ایزد تِشتر اختصاص دارد. این جشن روز سوم گَهَنبار چهره مدیوشم^(۱)، معروف به گهنبار تیر و تِشتر، روز تیر (تِشتر) از ماه تیر در گاه‌شماری بدون کبیسه، یعنی اوایل آبان‌ماه (در سال ۱۳۹۹ ششم آبان)، برگزار می‌شود. همچنین بزرگداشت این ایزد در روز اورمزد و اسفندماه در گاه‌شماری بدون کبیسه، یعنی اواخر خردادماه جلالی (در سال ۱۳۹۹ بیست و سوم خرداد)، نیز با عنوان «تیرماهی» برگزار می‌گردد. نیایشگاهی ویژه ایزدان تِشتر و استاد درکنار هم با تاریخ بنایی نامشخص^(۲) در روستا وجود دارد. شاید این بنا با زمان تأسیس روستا مرتبط باشد. نیایشگاه تِشتر به واسطه باورمندی به کارکرد این ایزد در باران‌زایی تا ۵۰ سال پیش میان کشتزارهای روستا قرار داشت و اینک به دلیل توسعه شهر اردکان، نیایشگاه میان بافت شهری قرار گرفته است. این نیایشگاه دوگانه، به واسطه همین دور بودن از بافت و قلعه روستا از قدیم در گویش بهدینی شریف‌آباد به گودز، به معنی پایین و بیرون دز (دژ، قلعه)، معروف است.

ایزد باران یا تِشتر، که یشت هشتم اوستا را به خود اختصاص داده، نامش در متون اوستایی به صورت Tištrya- و در پهلوی به صورت Tištar و در فارسی دری به صورت تِشتر باقی مانده است (مولایی، ۱۳۸۶: ۴۵۹). بر اساس تشریشت، تِشتر ستاره‌ای است سیید، درخشنده و دورپیدا. او سرشت آب دارد، تواناست و نژادش از اپام‌نپات است و سرور همه ستارگان است (بهار، ۱۳۸۱: ۶۱). در روزگار کنونی، میان بهدینان بزرگداشت این ایزد در جشن تیرگان به روز تیر از ماه تیر برگزار می‌شود، ولی در شریف‌آباد این تکریم یک بار حدود تیرماه و بار دیگر در آبان‌ماه برگزار می‌گردد؛ شاید هم احتمالاً در گذشته-های دور ایزدان تیر و تِشتر را جداگانه مورد تکریم قرار می‌داده‌اند و میان آن دو تمایز قائل بوده‌اند و شاید هم عدم رعایت کبیسه در روزگار پساساسانی باعث شده بزرگداشت یک ایزد (تِشتر) در دو موقع از سال انجام پذیرد.

در شریف‌آباد همواره تیر را با تِشتر به صورت «تیر و تِشتر» یاد می‌کنند و چنانکه اشاره شد، بزرگداشت ایزد تِشتر با جشن «تِشتریم» در روز تیر از تیرماه قدیم (بدون

کبیسه) برابر آبان‌ماه جلالی و روز سوم «گهنبار تیر و تشر» (چهرهٔ مدیوشم) برگزار و جشن تیرگان و آبریزان (تیرماهی) در اورمزد و اسفندماه قدیم (اواخر خردادماه جلالی) انجام می‌پذیرد.

پیش از پرداختن به نحوهٔ برگزاری این دو جشن، برای روشن شدن موضوع به پاره‌ای تحقیقات پژوهشگران در این زمینه توجه می‌کنیم. مری بویس می‌نویسد که تیرگان بی‌شک از جشن‌های باستانی است که در بحبوحهٔ تابستان گرفته می‌شد. یکی از نکات چشمگیر دربارهٔ تشر و تیر این است که هیچ‌گاه این دو نام با هم در منابع کهن دیده نمی‌شود و در اوستا واژهٔ «تیر» اصلاً نیامده، حال آنکه تشر نه تنها یشتی اختصاصی دارد، بلکه در خورشید نیایش نیز از او با احترام یاد می‌شود و با آنکه در اوستا یشت کهنی ویژهٔ ایزد تشر وجود دارد، از معدود ایزدانی است که روز یا ماهی را به نام او نامگذاری نکرده‌اند، حال آنکه از تیر، که در اوستا نامی برده نشده، نه تنها روز و ماهی به اسم دارد، حتی جشن بزرگی به نام او (تیرگان) بر پا می‌شود. به نظر مری بویس، تنها موضوعی که در این زمینه می‌توان بدان اندیشید، این است که به هنگام وضع گاه-شماری (شاید در روزگار هخامنشیان) ایرانیان با تیر آشنا شده و او را مقدس دانسته‌اند و تیر که در آغاز از ایزدان معبود ایرانیان ساکن سرزمین‌های غربی فلات ایران بوده، با گرویدن ایرانیان این خطه به دین زرتشت، چون از یک سو میان نام تشر و نام تیر شباهتی می‌دیدند و از سوی دیگر همانندی‌هایی نیز میان وظایف این دو ایزد یافته بودند، تیر نیز وارد ایزدکدهٔ زرتشتی شده است (بویس، ۱۳۹۳: ۸۱).

پرویز اذکایی، در پژوهشی ریزبینانه در این زمینه و با بررسی آراء مختلف، به این نتیجه رسیده است که در یک کلمه تشر از آن شرقیان و تیر از آن غربیان است و باورداشت و آموزهٔ هر دو گروه جای خود را یافته است، ولی در اصل، صرف نظر از مشابهات نوعی، این دو به کلی از لحاظ جنسی مغایرند. پردازندگان داستان آفرینش در متن گمشدهٔ «دامداد نسک» به عنوان منبع اصلی روایات مزبور، که گویا مغان فرزانهٔ ستاره شناس مادی بودند، چنین می‌نمایند که زیرکانه این تلفیق و ترکیب را به انجام رسانده‌اند (اذکایی، ۱۳۶۵: ۳۵۰). چنگیز مولایی با اشاره به پرسش ۴۸ متن پهلوی مینوی خرد می‌نویسد که عقیدهٔ مربوط به سروری تشر بر ستارگان دیگر به گمان برخی محققان اندیشه‌ای زروانی است، زیرا اخترشماری و پرستش ستارگان بیش از همه در آیین زروانی رواج داشته است. نقش تشر به عنوان سرور و نگهبان ستارگان در آیین

زروانی بیشتر قابل توجیه است تا در آیین مزدیسنايي، زیرا در آیین زروانی اعتقاد بر این است که نیک‌بختی موهبتی است که از تشر می‌آید (مولایی، ۱۳۸۶: ۴۶۰).

۲. تِشْتَرِیم

چنانکه اشاره شد، در روز تیر از ماه تیر (تیر و تشر) در گاه‌شماری بدون کبیسه، مطابق با روز سوم چهره گهنبار تیر و تشر (مدیوشم)، مردم شریف‌آباد برای بزرگداشت ایزد تشر جشنی را به نام «تِشْتَرِیم» یا «جشن تیر و تشر» برگزار می‌کنند. این واژه از حالت مفعولی اسم این ایزد در اوستا و از نخستین واژه عبارت اوستایی *tištrīm drvō* *čašmanem yazamaide* («تشر نیک چشم را می‌ستاییم») گرفته شده که در تشریشت و به تبع آن در خورشید نیایش آمده است و چنانکه خواهیم دید، در این روز باید بهدینان هزار و یکبار این عبارت را ذکرمانند تکرار کنند. برگزاری این جشن به این صورت است که بانوی خانه چند روز پیش از جشن تدارک آجیل و شیرینی می‌بیند. این اقلام شامل خرما، مغزهای گردو و بادام، حلواارده و نقل است. او بعد از ظهر روز پیش از جشن، با آب و جاروی درون و بیرون خانه، به نشانه جشن و شادی سمت راست و چپ آستانه ورودی خانه، سرپنجه‌ای آویشن خشک کپه‌وار قرار می‌دهد، سپس ظرفی از آب و آویشن که دانه‌ای انار در آن قرار دارد را در گوشه پِسْگَم‌بالا^(۳) گذاشته و چراغ روغنی را روشن کرده کنار آن می‌گذارد.^(۴) نیز خشتی خام را با گل سفید^(۵)، سفید کرده تا آماده برای اُشْتَرَه^(۶) سوزاندن صبح جشن باشد. هنگام شب هم هلیم (هریسه) را بار می‌گذارد تا صبح آماده برای صبحانه جشن باشد. صبح زود هم بانوی خانه زودتر از همه بلند شده با آب‌پاشی درون و بیرون خانه و گذاشتن بوی خوش بر آتش، نیایش صبحگاهی را آغاز می‌کند. پدر خانواده هم با نیایش صبحگاهی هاون‌گاه برای اعضای خانواده اوستای تندرستی می‌خواند. بانوی خانه با آماده کردن هلیم، فرزندان را به صبحانه دعوت کرده و وسایل اُشْتَرَه سوزاندن و جشن را کنار خشت سفید در پِسْگَم‌بالا قرار می‌دهد. این وسایل عبارت است از تاس (کاسه) و پیاله روزین به تعداد اعضای خانواده،^(۷) آجیل و شیرینی جشن و قرار دادن اُشْتَرَه در چهار گوشه و وسط خشت سفید. پس از خوردن صبحانه، اعضای خانواده در پِسْگَم‌بالا گرد هم می‌آیند، همه به یکدیگر جشن تشریم را شادباش می‌گویند و کودکان، شادمان از اینکه فالشان دیده خواهد شد، با شوق و ذوق گرداگرد خشت می‌نشینند. بانوی خانه اشتره‌های روی خشت — در پنج نقطه آن — را شعله‌ور می‌کند و از آنجایی که سوختن اشتره با دود همراه

است و این دود، چنانکه خواهیم دید، کاربری فال خوانی خواهد داشت، نخست بچه‌ها به ترتیب با انتخاب ظرف روزین و برداشتن آن نیت کرده و سطح داخلی ظرف را روی شعله‌اشتره می‌چرخانند تا دود در جدار داخلی آن بنشیند. سپس اندکی روغن کرچک را در ظرف دودزده ریخته و می‌چرخانند تا دود در ظرف نقش بگیرد و آن را در کنار خشت برعکس روی زمین قرار می‌دهند. بدیهی است اگر کودک خردسالی نتواند این کار را انجام دهد، مادر به نیت او این کار را انجام خواهد داد و معمولاً او برای پدر خانواده نیز نیت کرده و ظرف روزین را روی شعله قرار می‌دهد. بعد از اینکه همه، ظرف بخت خود بر شعله‌اشتره چرخانده و روغن زدند و برعکس بر زمین نهادند، نیم ساعتی باید صبر کنند تا دود کاملاً بر جدار ظرف نقش بگیرد. در این فاصله، نخست با شیرینی (معمولاً نقل) کام خود را شیرین کرده و سپس آجیل (مغز گردو و بادام با خرما) می‌خورند که همراه با آن خوردن حلواالرده حلاوتی خاص دارد. پس از گذشتن نیم ساعتی که اشاره شد، بانوی خانه ظروف نقش گرفته از دود اشتره را یکی یکی برداشته — نخست از کوچکترها — و به دست آنان می‌دهد تا برای خواندن فالشان نزد پیرزنانی باتجربه و بینشور محله ببرند یا مادر بزرگ‌ها در خانه این وظیفه را بر عهده می‌گیرند یا در صورت آگاهی، بانوی خانه خود این وظیفه را بر عهده می‌گیرد و به خواندن نقش فال می‌پردازد. با خواندن این فال یک سال آینده فرد را پیش‌بینی می‌کنند. این پیش‌بینی شامل خبر تندرستی، پیشرفت، رسیدن شادمانی یا گاه غم و بیماری و در مورد بزرگ‌ترها عروسی، دامادی، بچه‌دار شدن، سفر، خشکسالی، ترسالی یا رسیدن آفت است. نکته در خور نگرش اینکه چون در گذشته در این منطقه شغل پدر خانواده عموماً کشاورزی بوده و این شغل به‌ویژه در مناطق کویری وابستگی تام به بارش باران دارد، در فال پدر خانواده، ردیابی خشکسالی و ترسالی، که در اصل وابسته به حضور تشر است، بررسی می‌شود. پس از دیدن فال همگی به آتشکده می‌روند تا در مراسم گهنبار توجی، که انجمن زرتشتیان شریف‌آباد به مناسبت این جشن برگزار می‌کند، شرکت کنند. این گهنبار، هر چند توجی است، موقوفه‌ای قدیمی دارد و واقف آن بانویی به نام «شیرین سیاوش ولی» بوده که اکنون در تولیت انجمن است. این گهنبار هر ساله به نام او در این روز و به مناسبت جشن تشریم برگزار می‌شود. مردم با دیدن یکدیگر جشن را تبریک گفته و برای همدیگر تندرستی و شادمانی آرزو می‌کنند. در این روز خانواده‌هایی که به تازگی عروس یا داماد اختیار کرده، بچه‌دار شده یا نذری برای جشن کرده‌اند، به

اصطلاح رایج جعبه می‌چرخانند که مراد بردن جعبه شیرینی به آتشکده است که پس از مراسم گهنبارِ جشن، دهان مردم را شیرین کرده و مردم نیز برای آنان آرزوی شیرین‌کامی می‌کنند. مراسم گهنبار توجی تشتریم تنها تفاوتی که با دیگر گهنبارهای توجی دارد این است که در این گهنبار توسط ورنشین جار^(۸) کشیده می‌شود تا برای بزرگداشت ایزد تشتر، حاضرین در این روز هزار و یک بار عبارت *tīštrīm drvō čašmanem yazamaide* را بگویند. این عبارت در بند ۱۲ کرده ۶ تشتریشست و نیز در عبارتی از خورشیدنیایش آمده است. پس از مراسم گهنبار و توزیع لُرک^(۹) و خوردن شیرینی و شادباش جشن، با جار پایانی ورنشین و اعلام اولین خانهٔ صاحب گهنبار چهره، مردم بدون درنگ برای اجرای گهنبارهای روز سوم چهرهٔ مدیوشم (تیر و تشتر) عازم خانه‌های صاحبان گهنبار می‌شوند.

۳. تیرماهی (جشن تیرگان)

چنانکه گفته شد، بزرگداشت دیگری از ایزد تشتر با عنوان «تیرماهی» در شریف‌آباد برگزار می‌شود که مشابه جشن تیرگان کنونی است. این جشن بیشتر دخترانه و زنانه است و توسط دختران دم بخت هدایت و مدیریت می‌گردد. در گذشته که آب چندین قنات در روستا جاری و ساکنین زیاد بودند، این جشن رونقی بسزا داشت، اما اکنون به علت خشک شدن اکثر قنات‌ها و مهاجرت سنگین از روستا، هر دو جشن تشتریم و تیرماهی یکی شده و با هم در روز جشن تیرگان برگزار می‌گردد. برگزاری شکل اصیل تیرماهی به این صورت است که این جشن روز اورمزد اسفندماه (در گاه‌شماری بدون کبیسه)^(۱۰) برپا می‌شود. این روز برابر است با روزی که بزرگترها برای یادکرد درگذشتگان و آیین بزرگداشت روان درگذشتگان به دَخمه (دادگاه)^(۱۱) می‌رفتند. مقدمات این جشن از روز پیش از آن آماده و فراهم می‌گشت، به این صورت که عصر روز پیش، دختران و زنان روستا در خانه‌ای قدیمی و بزرگ، که معمولاً سکنه نداشت، جمع شده و مَره و دوله^(۱۲) را آماده می‌کردند. برای این کار نخست کوزه‌ای دهانه‌گشاد (دوله) را شسته و در گوشه‌ای قرار می‌دادند، سپس هر یک از دختران و زنان سراغ کوزه رفته و نیت کرده و مَهره‌ای، النگو یا انگشتر، را داخل این کوزه می‌انداختند. زمانی که همهٔ مهره‌ها انداخته می‌شد، کوزه را تا نیمه آب کرده و روی دهانهٔ آن، دستمال سبزی می‌کشیدند، سپس آینه‌ای را رو به آسمان روی دستمال سبز گذاشته و یک جلد کتاب اوستا را روی آن قرار می‌دادند. باور بر این بود که دیگر نباید کسی، حتی آسمان، آن را

ببیند. برای همین کوزه را تا روز فردای مراسم جشن در تنور قرار داده و روی تنور را می‌پوشانند.^(۱۳) صبح روز اورمزد اسفندماه (حدوداً اواخر خردادماه جلالی) مادران و پدران با برداشتن وسایل و خوراکی عازم دخمه (دادگاه) برای اجرای مراسم بزرگداشت درگذشتگان می‌شدند و دختران خانه نیز به کنار جوی‌های آب روان روستا می‌رفتند و به تیرماهی می‌پرداختند که عبارت بود از پاشیدن آب به یکدیگر و انجام شادی. در این بین شور و شوق دختران کوچکتر دیدنی بود. این شادی تا ساعتی از ظهر گذشته ادامه می‌یافت. سپس با صرف ناهار، دختران لباس نو به تن کرده به همراه پیرزنانی که نتوانسته بودند به دادگاه (دخمه) بروند، به خانه‌ای که محل برگزاری مَره و دوله بود می‌رفتند. از میان آنان، کسانی که دستی در شعر و آواز داشتند دایره را نیز همراه خود می‌بردند و به محض رسیدن، دوله (کوزه دهانه‌گشاد) را با هابیرگ‌های^(۱۴) بلند از تنور بیرون آورده و در دامان دختری نابالغ، که باید نخستین فرزند خانواده هم می‌بود، قرار می‌دادند. کتاب اوستا را از روی دوله برداشته، بوسیده و با آینه کنار می‌گذاشتند، سپس با ساز و آواز به بیرون آوردن مهره‌ها می‌پرداختند.^(۱۵) برای این کار، دختر نابالغ با کنار زدن دستمال سبز دست در دوله کرده و شیئی (مهره، الگو یا انگشتر) را بیرون می‌آورد. به محض بیرون آوردن، یکی از بانوان دوبیتی یا رباعی را به همراهی نواختن دایره به نیت صاحب آن شیء سرایش می‌کرد و این شعر فال شخص محسوب می‌شد و او براساس نیتی که کرده بود آن شعر را تفسیر نیت خود می‌شمرد.^(۱۶) بر همین روال تا بیرون آمدن همه مهره‌ها کار با شادی و نواختن دایره ادامه می‌یافت. در این میان اگر کسی از اعضای خانواده‌اش عروس، داماد یا بچه‌دار شده بود، جعبه شیرینی می‌چرخاند و کام همه را شیرین می‌کرد و این آیین شاد با دست‌افشانی و پایکوبی به پایان می‌رسید.^(۱۷)

۴. همخوانی بزرگداشت‌ها با تشریشت

با مروری بر تشریشت به همخوانی این بزرگداشت‌ها با یشت مذکور پی خواهیم برد. در بندهای ۲۳ و ۲۹ تشریشت از فال بد و فال نیک زدن یاد می‌شود. تشر با نیک‌سالی و بدسالی در پیوند است (بند ۳۶). همو مراقب، ورجاوند و سروری‌کننده هزار آیف و بخشش و نعمت است (بند ۴۹). او با پرآب کردن چشمه‌ها، تازنده آب به چراگاه‌ها، برای رویش نیرومند ساقه‌های گیاهان است (بند ۴۲). تشر شوینده همه پلیدیهاست (بند ۴۳)، بخشنده فرّه و بخشنده اقامتگاه و نیز درمان‌بخش است (بندهای ۱، ۲، ۳۵). تشر آن‌چنان شایسته یزش، نیایش و بزرگداشت است که هرمزد (بند ۵۲). بر این پایه و

برابر این یشت، گرفتن فال در این دو جشن (تشتیریم و تیرماهی)، پیش‌بینی ترسالی و خشکسالی، برگزاری گهنبار و داد و دهش کردن نیک مصداق می‌یابد و یادکرد هزاربارۀ تشتیر در جشن تشتیریم مقام و ارج و توانمندی این ایزد را گوشزد می‌کند.

۵. نتیجه

برگزاری منحصر به فرد جشن بزرگداشت ایزد تشتیر در میان بهدینان شریف‌آباد با عنوان تشتیریم جالب توجه است. چنانکه اشاره شد، این بزرگداشت با آدابی ویژه و گونه‌ای خاص از فال‌بینی برای اعضای خانواده و پیشگویی ترسالی و خشکسالی در ماه آبان همراه است که با برگزاری گهنبار توجی و یادکرد ایزد تشتیر تکمیل می‌گردد. حوالی تیرماه نیز جشن تیرماهی (تیرگان) با آبریزان و گونه‌ای دیگر از فال‌بینی (فال کوزه) اجرا می‌شود. با مطالعه تشتیریشیت دلیل این توجه و بزرگداشت در شریف‌آباد مشخص می‌شود. اما چگونه است که بهدینان شریف‌آباد تیرماهی (تیرگان) را حدود تیر و تشتیریم را در آبان‌ماه برگزار می‌کنند؟ به نظر می‌رسد از گذشته‌های دور بانیان جشن از دوگانگی ایزدان تیر و تشتیر به خوبی آگاه بوده‌اند و یکی را در جای خود در تیرماه و دیگری را در آبان‌ماه، ماهی که بنیاد تشتیر از اوست (بند ۴ تشتیریشیت)، یعنی اپام‌نپات (آبان) بزرگ می‌داشته‌اند. چون این مردمان در گاه‌شماری خود روز تیر و ماه تیر را داشته‌اند ولی از تشتیر در این گاه‌شماری یادی نبوده و تنها یشتی زیبا به نام او داشته‌اند، هرگاه قرار بوده در این گاه‌شماری از تیر نام ببرند، تیر را با تشتیر همراه کرده و به گونه «تیر و تشتیر» از هر دو نام برده و می‌برند؛ مثلاً روز تیر و ماه تیر را به ترتیب روز «تیر و تشتیر» و ماه «تیر و تشتیر» می‌گویند و حتی گهنبار موسوم به تیرماه (مدیوشم) را گهنبار «تیر و تشتیر» می‌نامند. پاناینو بر این باور است که نیایش‌های تیر در متون اوستایی به تشتیر ایزد باران اختصاص یافته و با بررسی برخی دعاها به زبان پهلوی که در آغاز آن از «تیر رایومند و فرهمند» یاد شده می‌توان به این نکته پی برد (Panaino, 1995/2: 67). با این بررسی می‌توان چنین اندیشید که در مجموع، این گونه بزرگداشت و یادکرد برای تشتیر و تیر می‌تواند یادگار موبدان آگاه ساکن این منطقه باشد که زمانی راهبری دینی بهدینان ایران و پارسیان هند را به گواه اسناد موجود (روایات)^(۱۸) بر عهده داشته‌اند. با تکیه بر همین اسناد، که تسلط این موبدان را بر متون دینی، آیین، آداب و رسوم نشان می‌دهد، آگاهی از پیشینه تشتیر و تیر دور از ذهن نخواهد بود و تأکید وسواس‌گونه آنان بر برگزاری آیین‌ها و مراسم (برابر متون موجود روایات) است که این

ماندگاری را سبب شده است. بزرگداشت تشر تنها مراسم کهن روستا نیست؛ آیین و آداب کهن دیگری چون بزرگداشت ایزد مهر (همراه با قربانی)، جشن رَفْتَوَن، جشن هیرومبا (سده کهن)، نوروز بزرگ، پنجه و کوه‌سپاری جنین درگذشته (تا نیم قرن پیش) نیز در آنجا اجرا می‌شود یا اجرا می‌شده که برای پژوهش جالب توجه به نظر می‌رسند و نگارنده آنها را در دست مطالعه و بررسی دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. گهنبار، گاه‌نبار یا گاس‌نبار از جشن‌های سالیانه زرتشتیان است که شش بار در سال و هر بار پنج روز به پاس آفرینش مادی جهان برگزار می‌شود. این شش دفعه به عنوان شش چهره (شهادی، ۱۳۸۶: ۱۵۰) شناخته می‌شود. هر کدام از گهنبارها نامی ویژه به این شرح دارد: «مدیوزرم» (Mēdyōzarm) به معنای «میان بهار»، «مدیوشم» (Mēdyōšam) به معنای «میان تابستان»، «پدیشه» (Pēdišah) به معنای «گردآوری غله»، «ایاسریم» (Ayāsrīm) به معنای «بازگشت به خانه»، «مدیاریم» (Mēdyārīm) به معنای «میان سال» و «همسپهمدیم» (Hamaspahmēdīm) به معنای احتمالی «حرکت همه سپاه» (بهار، ۱۳۸۱: ۵۰). گهنبار بر دو دسته کلی چهره و توجی (tuji) تقسیم می‌شود. گهنبار چهره موقوفه دارد و هزینه‌های آن از محل درآمد وقف تأمین و در چهره‌های فوق برگزار می‌شود و گهنبار توجی معمولاً بدون موقوفه بوده و با نذر و برای طلب تندرستی، با خیراندیشی مردم هر موقع از سال قابل برگزاری است. توجی از «توختن» زبان فارسی گرفته شده است. با ماده مضارع «توز» به معنای «ادا کردن، جبران کردن» (مزدایور، ۱۳۸۳: ۱۵۴). این نوع گهنبار در شریف‌آباد برگزار می‌شود، هم بر مبنای رسم متداول آن که بر اساس نذر یا به نیت تندرستی و بدون موقوفه، و هم بر اساسی غیرمتداول به صورت مداوم با موقوفه و در روزی معین از ماه یا سال.

۲. در شریف‌آباد نیایشگاه ایزدان تشر و اشتاد در کنار هم، بیرون روستا و در موضعی به نام گودز (govedez)، قرار دارد. کسی از زمان و تاریخ ساخت آن آگاهی ندارد و بعید نیست که زمان تأسیس این نیایشگاه همزمان با تاریخ ساخت روستا باشد. دو نکته در مورد این نیایشگاه وجود دارد: یکی میان کشتزار بودن آن است که به واسطه کارکرد ایزد تشر امری طبیعی است و دیگری همجواری نیایشگاه‌های ایزدان تشر و اشتاد است. در این مورد مراجعه به اشتاد یشت و بندهایی از یسنا کارگشاست. در بندهای ۵ تا ۷ اشتاد یشت از تشر و کارایی او سخن می‌رود و در یسناهای ۱ بند ۷، ۲ بند ۷ و ۳ بند ۹ از اشتاد با صفات *frādat.gaēθa* و *varədat.gaēθa*. به ترتیب به معنی «جهان‌افزا» و «بالاننده جهان» (یا «غله‌افزا» و «بالاننده غله») یاد می‌شود (پورداد، ۲/۱۳۷۷: ۲۰۱-۲۰۲). در بند ۲ از کرده ۷ ویسپرد آمده است: «اشتاد نیک را می‌ستاییم که گیتی برافزاید [و] گیتی بیرواند و به گیتی سود رساند» (پورداد، ۱۳۸۲: ۴۲). همچنین در بندهش از ایزد اشتاد در بخش‌های چهارم و یازدهم به عنوان همکار امشاسپند مرداد، که موکل بر گیاهان است، یاد شده است (بهار، ۱۳۸۰: ۴۹، ۱۱۶). مجموع این ویژگی‌ها بی‌گمان با کارکرد تشر در پیوند است. بر این اساس، بزرگداشت ایزدان تشر و اشتاد در کنار هم توسط بهدینان شریف‌آبادی در موضع گودز و در میان کشتزاری وسیع منطقی به نظر می‌رسد.

۳. پَسْگَم، پَسْگَمِ بَلا، صفه یا ایوان بزرگ خانه‌های سنتی یزد است. در نقاط دیگر زرتشتی‌نشین، به‌ویژه یزد، به این پَسْگَم، پَسْگَمِ مَس، یعنی صفه بزرگ، گفته می‌شود.

۴. در قدیم که برق نبود چراغ روغنی وجود داشت. این چراغ ظرفی فلزی، مدور و کوچک بود که جای فتیله نخی در آن تعبیه شده و با روغن چراغ (کرچک) می‌سوخت و روشنایی ایجاد می‌کرد. چراغ ویژه مراسم دینی هم از همین نوع، ولی همیشه جدا بود و به آن «چراغ پاکی» می‌گفتند. با آمدن برق، این چراغ‌ها کاربری خود را از

دست دادند. برای مراسم و آیین‌ها، چراغ پاکی دیگری جایگزین کردند و آن عبارت است از یک لیوان حاوی نصف آب، نصف روغن با فتیله‌های مخصوص یکبارمصرف که روشنایی پاکی را تأمین می‌کند.

۵. گل سفید از خانواده کربنات کلسیم است. مخلوط آن با آب، پس از خشک شدن، بسیار سفید و درخشان است. علاوه بر سفید کردن خشت، پاشیدن آن بر کاه‌گل کف و دیوار خانه‌های سنتی، در بیشتر آیین‌ها و مراسم رایج است. گل سفید در گهنبار، کلیه مراسم درگذشتگان، پنجه و جشن مهرایزد پاشیده می‌شود. پاشیدن این گل به کف و دیوارهای خانه یکی به جهت سفیدی آن است که نشان پاکی و روشنایی است و دیگر این که با ریختن آن در بیرون خانه، اهالی محل را از وجود برگزاری آیینی در خانه آگاه می‌کند.

۶. *اَشْتَرَه* یا *اَشْتَرَك* (*اَشْتَك*) صمغی است دارویی که از گیاهی به همین نام گرفته می‌شود. این گیاه علفی از خانواده چتریان و بومی ایران و هندوستان است. این صمغ در درمان بیماری‌های تنفسی و کبد و طحال سودمند است. کاربری آن برای سوزاندن در برخی آیین‌ها می‌تواند بر باور عامیانه رفع چشم‌زخم استوار باشد.

۷. در قدیم برای آیین اشتره سوزاندن بایستی به تعداد اعضای خانواده تاس یا پیاله، حتماً از جنس روزین (رویین)، آماده می‌کردند. اگر به تعداد موجود نبود، برای کودکان از قاشق روزین استفاده می‌شد. در سالیان اخیر، به جهت کم و نایاب شدن ظروف رویین، برای جبران کسری ظروف مسی جایگزین می‌شود. روزین (رویین)، فلزی آلیاژی (مس و روی) و زردرنگ است که بنا بر باور آیینی ناپاکی به خود نمی‌گیرد. از آن کاسه و پیاله کم ضخامتی می‌ساختند که دارای کاربری ویژه در آیین‌هاست.

۸. *دَهْمویدان* در حقیقت دستیاران موبد در انجام مراسم هستند. *دَهْموید* بزرگ دستیار ویژه موبد است، و همه جا کنار او می‌نشینند، و به *وَرَنَشین* معروف است. اعلام آغاز و پایان مراسم (اصطلاحاً «جار کشیدن») همچنین هدایت آن بر عهده اوست.

۹. *اَکَرک* عموماً هفت نوع میوه یا مغز آن است که در مراسم گهنبار بر سفره آیینی قرار داده می‌شود، و پس از به جا آوردن آیین و اوستاخوانی، تقدیس می‌شود (به اصطلاح شریف‌آبادی اوستاخوانده می‌شود: *vessā-xēna*)، و بین شرکت‌کنندگان توزیع می‌گردد. این هفت میوه عبارتند از انجیر، مویز، خرما، سنجد، گردو، بادام و برگه هلو. البته می‌توان پسته، برگه زردآلو، توت خشک و نخودچی نیز بدان افزود.

۱۰. این روز در گاه‌شماری جلالی اواخر خردادماه و پیش از تیرماه جلالی است که قطعاً در گذشته در تیرماه بوده و با عدم رعایت کبیسه و واپس‌نشینی به اواخر خردادماه رسیده است. امسال (۱۳۹۹ خورشیدی) این روز برابر با ۲۳ خردادماه قرار گرفت.

۱۱. زرتشتیان تا ۵۰ سال پیش مرده‌های خود را در دخمه قرار می‌دادند. دخمه محوطه‌ای مدور با دیواری بلند، گرد و گودالی بزرگ در وسط، بر فراز بلندی بود که مرده، پس از آیین شستشو و کفن، در محوطه آن برای استفاده لاشخورها قرار داده می‌شد. استخوان‌های باقی‌مانده را پس از حدود یک سال طی آیینی به گودال میان دخمه ریخته و بر آن تیزاب سلطانی (اسید) می‌پاشیدند. سه بار در سال مردم به طور دسته‌جمعی به دخمه می‌رفتند و برای شادی روان درگذشتگان مراسم به جا می‌آوردند. این سه بار عزیمت به دخمه، به «دادگاه تیرماه» (*dāzge tirma*)، «دادگاه اسفند» (*dāzge sben*) و «دادگاه پنجه» (*dāzge penji*) معروف است. چنانکه اشاره شد، روز دادگاه تیرماه در گاه‌شماری جلالی و در روزگار کنونی، اواخر خردادماه و پیش از تیرماه است. چنانکه از نامش برمی‌آید، در گذشته این بزرگداشت در تیرماه برگزار می‌شده و به علت عدم محاسبه کبیسه، عقب‌نشسته و به خردادماه (۲۳ خرداد در سال ۱۳۹۹) رسیده است. نزد شریف‌آبادی‌ها این یادکرد درگذشتگان و رفتن به دخمه (دادگاه) در این روز به نام *dāzge tirma* معروفیت دارد.

۱۲. مَرّه همان مهره است و دَوْلَه (دوَرَه) کوزه سفالی دهانه‌گشاد را گویند. در دیگر نقاط «مَرّه و دَوْلَه» را «چَک و دَوْلَه» می‌گویند و منظور از چَک در اینجا بخت و اقبال است. این آیین به فال کوزه در دیگر نقاط ایران شباهت دارد.

۱۳. سالیان اخیر این کوزه را زیر درخت سرو یا انار می‌گذارند.

۱۴. هنگام شادی در جمع، معمولاً بانوان آوای هابیرگ (hābirog) سر می‌دهند که تکرار چندباره عبارت هابیروشاباش (hābirosābās) است. به گفته موبد موبدان شهزادی، «هابیروشاباش» آوای شادباش و همان «های برو شادباش» است (شهزادی، ۱۳۸۰: ۱۴۳).

۱۵. اگر از بانوان کسی به دلیلی روز قبل نتوانسته بود مهره را در دَوْلَه بیندازد، همان روز، پیش از آغاز کار، کنار دختربرجه می‌نشست و به آرامی شیئی (مهره، النگو یا انگشتر) را با کنار زدن گوشه دستمال سبز در دَوْلَه می‌انداخت تا او نیز بتواند فالی بزند (سیمین رستمیان).

۱۶. این دیدن فال، مَرّوا و مَرّغوا هم در «تشتیریم» هم در «مَرّه و دَوْلَه» تیرگان (تیرماهی) نمی‌تواند بی‌ارتباط به اشارات خود تشتیریش، مثلاً در بندهای ۲۹ و ۲۳، باشد. بند ۲۹: «او (پوش) را آن گاه دور راند، از دریای و روکشه، به بزرگی یک هاسر راه و کامیابی را مَرّوا زند. تشتت رایومند و فرهمند: خوشا بر من ای اهورامزدا، خوشا ای آب‌ها و ای گیاهان، خوشا ای دین مزدیسنی، خوشی باد ای سرزمین‌ها، نهرهای آب‌های شما، بی پتیاره روان خواهند شد، به سوی غله‌های درشت‌دانه، مرغزارهای ریزدانه و به سوی جهان‌های آستومند» (زرشناس و گشتاسب، ۱۳۸۹: ۷۶).

۱۷. در راستای به شادی گذراندن این بزرگداشت در «تیرماهی» (تیرگان) و خواندن نیایش و گهنبار در «تشتیریم» بند ۵۶ تشتیریش خواندنی است: «اگر به راستی، ای سپیتمان زرتشت، دهبیوهای آریایی از برای بیشتر رایومند فرهمند، به خاطر آوردندی یزشن و نیایش آیینمند را، چنانکه برای او است آیینمندترین یزشن و نیایش، بنا بر اشته و هیسته، نه ایدر دهبیوهای آریایی را باشدی، نه سپاه دشمن، نه قحطی، نه جَرَب، نه بیماری مسری، نه گردونه دشمن، نه درفش برافراشته ای جنگ» (زرشناس و گشتاسب ۱۳۸۹: ۱۳۰). پاره آخر این بند به دعای داریوش هخامنشی در سنگ‌نوشته Dpd شباهت دارد.

۱۸. روایت در فرهنگ زرتشتی به یک معنی برابر استفتاء در شریعت شیعی است. پاسخ به پرسش‌های فقهی بهدینان از جانب دین‌مردان یا دستوران بزرگ را روایت گویند (دالوند، ۱۳۹۶: ۴۴) و جمع واژه روایات است.

صورت اسامی نفرات شریف‌آبادی مورد مصاحبه و پرسش

۱. شیرین آبیاری، ۸۶ساله، ششم ابتدایی، خانه‌دار، ساکن تهران.
۲. رشید دینیاریان، ۶۷ساله، دیپلمه، کارمند بازنشسته، ساکن آمریکا.
۳. مهرانگیز ذهبی، ۶۴ساله، دیپلمه، کارمند بازنشسته، ساکن تهران.
۴. سیمین رستمیان، ۹۰ساله، ششم ابتدایی، خانه‌دار، ساکن تهران.
۵. سهراب سلامتی، ۶۸ساله، لیسانسیه، شغل آزاد، ساکن تهران (رییس انجمن زرتشتیان شریف‌آباد مقیم مرکز).
۶. داریوش کاموسی، ۶۷ساله، دیپلمه، کارمند بازنشسته، ساکن شریف‌آباد (رییس انجمن زرتشتیان شریف‌آباد).
۷. بانو نوشیروانی، ۸۸ساله، ششم ابتدایی، خانه‌دار، ساکن شریف‌آباد.
۸. دولت ویرایی، ۷۴ساله، ششم ابتدایی، خانه‌دار، ساکن یزد.

منابع

- اذکایی، پرویز، ۱۳۶۵، «تشتیره، شعرای یمانی» چیستا، ش ۳۵، صص ۳۴۷-۳۵۴.
 بهار، مهرداد، ۱۳۸۰، بندهش، تهران، توس.
 _____، ۱۳۸۱، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، آگاه.

بویس، مری، ۱۳۸۶، آیین زرتشت، کهن روزگار و قدرت ماندگارش، ترجمه ابوالحسن تهامی، تهران، نگاه.

_____، ۱۳۹۳، تاریخ کیش زرتشت، ج ۱ و ۲، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، گستره.

_____، ۱۳۹۷، کانون دین زرتشتی در ایران، ترجمه حسین ابراهیمیان، تهران، توس.

پورداد، ابراهیم، ۱۳۷۷، یشتها، ۲ ج، تهران، اساطیر.

_____، ۱۳۸۲، ویسپرد، تهران، اساطیر.

شهزادی، رستم، ۱۳۸۰، سخنرانی‌های موید موبدان رستم شهزادی، به کوشش مهرانگیز شهزادی، تهران، فروهر.

_____، ۱۳۸۶، واژه‌نامه پازند، تهران، فروهر.

دالوند، حمیدرضا، ۱۳۹۶، «سرآغاز شکل‌گیری فرقه‌های تقویمی در میان زرتشتیان هند»، مطالعات فرهنگ و هنر آسیا، س ۱، ش ۲، صص ۴۳-۵۴.

زرشناس، زهره و فرزانه گشتاسب، ۱۳۸۹، تیشتر یشت، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سپهری اردکانی، علی، ۱۳۷۴، تاریخ اردکان، ۲ ج، اردکان یزد، حنین اردکان.

مزداپور، کتایون، ۱۳۸۳، «تداوم آداب کهن در رسم‌های معاصر زرتشتیان در ایران»، فرهنگ، ش ۵۰-۴۹، صص ۱۴۷-۱۷۹.

مستوفی بافقی، محمد مفید، ۱۳۸۵، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر.

مولایی، چنگیز، ۱۳۸۶، «تیر، تیرگان»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۲، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۴۵۲-۴۶۲.

Panaino, A., 1990-1995, *Tišt̥rya, Part I.: The Avestan Hymn to Sirius*, Rome.

_____ 1995, *Tišt̥rya, Part II.: The Iranian Myth of the Sirius*, Rome.

_____ 2005, "Tishtrya," *Encyclopaedia Iranica*, available online at <https://iranicaonline.org/articles/tistrya-2#article-tags-overlay>.

